

## نقش طرحواره‌های شناختی اولیه در پیش‌بینی ویژگی خودشیفتگی

امید سلیمانی‌فر<sup>۱</sup>، فرزانه شعبانی<sup>۲</sup>، زهرا رضایی<sup>۳</sup>، نجمه نیکوبخت<sup>۴</sup>، آمنه شجاعی<sup>۵</sup>، رضا افریشم<sup>۶</sup>

### مقاله پژوهشی

### چکیده

**زمینه و هدف:** طرحواره‌های شناختی به عنوان عناصر سازمان‌یافته‌ای از واکنش‌ها و تجارب گذشته تعریف می‌شوند که بدنه بادوامی از دانش را تشکیل می‌دهند؛ به طوری که می‌توانند بر برداشت‌های بعدی تأثیر گذار باشند و آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش طرحواره‌های شناختی اولیه در ویژگی خودشیفتگی صورت گرفت.

**مواد و روش‌ها:** این پژوهش به روش همبستگی، بر روی ۳۶۰ نفر از دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده بودند، انجام شد. جهت جمع‌آوری داده‌ها، از فرم کوتاه پرسش‌نامه طرحواره (SQ-SF یا Schema Questionnaire-Short Form) و پرسش‌نامه شخصیت خودشیفته ۴۰ ماده‌ای (Narcissistic Personality Inventory-40 یا NPI-40) استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی Pearson و تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**یافته‌ها:** طرحواره‌های محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی، معیوب بودن، معیارهای سرسختانه، محق بودن ( $P = 0/010$ ) و خودرشد نیافته ( $P = 0/050$ ) به طور مثبت و معنی‌دار و طرحواره اطاعت ( $P = 0/010$ ) به طور منفی و معنی‌دار با خودشیفتگی رابطه داشت. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن بود که طرحواره‌های معیوب بودن، محق بودن، محرومیت هیجانی، اطاعت و بی‌اعتمادی ( $P = 0/010$ ) و معیارهای سرسختانه و خودرشد نیافته ( $P = 0/050$ ) به ترتیب نقش قابل توجهی در پیش‌بینی خودشیفتگی ایفا نمودند ( $R^2 = 0/57$ ).

**نتیجه‌گیری:** طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه می‌توانند به عنوان ساختارهای شناختی اساسی تمایلات خودشیفتگی در نظر گرفته شوند که به فهم بهتر این که چگونه افراد با ویژگی‌های شخصیت خودشیفته، محیط اجتماعی خود را ادراک می‌کنند، کمک می‌نماید.

**واژه‌های کلیدی:** طرحواره‌های شناختی اولیه، خودشیفتگی، نمونه غیر بالینی، دانشجویان

**ارجاع:** سلیمانی‌فر امید، شعبانی فرزانه، رضایی زهرا، نیکوبخت نجمه، شجاعی آمنه، افریشم رضا. نقش طرحواره‌های شناختی اولیه در پیش‌بینی ویژگی خودشیفتگی. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۵؛ ۱۴ (۳): ۲۶۴-۲۷۰

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۶/۲۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۳

نظر Beck و Freeman، مرکز نظریه شناختی اختلالات شخصیتی، مفهوم طرحواره می‌باشد (۴). در واقع، این محتوای طرحواره‌های شناختی است که فرایندهای رفتاری، عاطفی و شناختی را در افراد تعیین می‌کند و موانع سازنده شخصیت را تشکیل می‌دهد. برخی محققان دیدگاه آن‌ها را گسترش دادند و تعدادی از تحریف‌های شناختی (Cognitive distortions) را که اغلب در افراد خودشیفته یافت می‌شود، پیشنهاد کردند که شامل تفکر دوگانه (Dichotomous thinking)، بزرگ‌نمایی (Magnification)، ساده‌سازی یا به حداقل رساندن (Minimization) و توجیه (Justification) می‌باشد (۵). Young مفهوم طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه را به منظور فهم بهتر ارتباط بین تعاملات اولیه منفی در زندگی و جلوه‌های گوناگون آسیب شناختی

### مقدمه

امروزه تعریف خودشیفتگی به گونه‌ای گسترش یافته است که خودشیفتگی سالم را نیز در برمی‌گیرد. خودشیفتگی را می‌توان به صورت یک پیوستار در نظر گرفت که دامنه آن از خودشیفتگی مرضی تا خودشیفتگی سالم امتداد می‌یابد (۱). رشد و تداوم ویژگی‌های شخصیت خودشیفته، تا اندازه‌ای ممکن است ناشی از طرحواره‌هایی باشد که افراد برای سازماندهی کردن و ادراک نمودن حوادثی که در طول دوره زندگی آن‌ها اتفاق می‌افتد، بر آن‌ها تکیه می‌کنند (۲). طرحواره‌های شناختی به عنوان عناصر سازمان‌یافته‌ای از واکنش‌ها و تجارب گذشته تعریف می‌شوند که بدنه بادوامی از دانش را تشکیل می‌دهند؛ به طوری که می‌توانند برداشت‌های بعدی فرد را هدایت نمایند و مورد ارزیابی قرار دهند (۳). بر اساس

- ۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، اداره آموزش و پرورش ناحیه ۳ اهواز، اداره کل آموزش و پرورش خوزستان، اهواز، ایران
- ۲- مربی، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور گتوند، گتوند، ایران
- ۳- کارشناس ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، اهواز، ایران
- ۴- دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
- ۵- کارشناس ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
- ۶- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه بیوشیمی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، اهواز، ایران

Email: omidsolimanifar@gmail.com

نویسنده مسؤول: امید سلیمانی‌فر

شخصیت در بزرگسالی مطرح کرد (۶). طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه به باورهای عمیق و ریشه‌دار منفی درباره خود، دیگران و جهان اشاره می‌کند که ممکن است در طول نخستین سال‌های زندگی ایجاد گردد و در نتیجه منجر به بروز رفتارها، افکار، هیجان‌ها و برداشت‌های غلط و ناسالم شود (۷). در نتیجه تعاملات آسیب‌زای قابل توجه و منفی مکرر با مراقبان، افراد ممکن است روابط را تهدید کننده (فقدان ارتباط سالم) و بیش از حد به دیگران وابسته (فقدان خودمختاری) بدانند و احساس معیوب بودن (فقدان ارزشمندی) و یا احساس برتری نسبت به دیگران داشته باشند (محدودیت‌ها و انتظارات غیر واقع‌بینانه) (۸). یافته‌های پیشین نشان می‌دهد که طرحواره‌های ناسازگارانه نقش میانجی را در ارتباط بین سبک‌های والدینی ادراک شده و علایم افسردگی دارند (۹). همچنین، افراد دارای رگه‌های اختلال شخصیت دسته «ب»، از طرحواره‌های ناسازگار اولیه رنج می‌برند و سبک‌های فرزندپروری آن‌ها ناسازگار است (۱۰).

Young و Flanagan بر اساس مشاهدات بالینی و تجربه برخورد با افراد خودشیفته، مفهوم سازی مبتنی بر طرحواره را از خودشیفتگی ارایه نمودند. آن‌ها پیشنهاد کردند که هسته زیربنایی طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه خودشیفتگی، شامل محق بودن، محرومیت هیجانی و معیوب بودن است (۱۱). پیشنهاد شده است که حالتی از تنش بین محرومیت هیجانی (میل شدید به تماس) و معیوب بودن (عقب‌نشینی یا کناره‌گیری از تماس) در خودشیفته‌ها، باعث عدم بروز توانایی برای شکل‌دهی ارتباطات صمیمی می‌شود. در مقابل، افراد خودشیفته ممکن است اغلب برای پر کردن نیازهای هیجانی خود از طریق طلب توجه خود بزرگ‌نمایی شده (محق بودن) تلاش کنند (۱۲). در هر حال، در این زمینه مطالعات کمی صورت گرفته است. تحقیقات قبلی نشان داده است که هم خودشیفتگی بیمارگونه و هم خودشیفتگی طبیعی، به طور مثبت با طرحواره محق بودن رابطه دارد و همچنین، خودشیفتگی آسیب‌پذیر با طرحواره اطاعت ارتباط مثبتی دارد (۱۳). یافته‌های دیگر نیز حاکی از آن است که اختلالات فکری-روانی و خودشیفتگی، با استفاده از تحریفات شناختی و طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه قابل تفکیک هستند و خودشیفتگی آشکار (Overt narcissism) با طرحواره‌های محق بودن، خودکنترلی ناپسند، اطاعت، وابستگی/بی‌کفایتی، شکست، معیارهای سرسختانه، جستجوی توجه، معیوب بودن و بازداری هیجانی ارتباط دارد و خودشیفتگی پنهان با تمام طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه به غیر از فداکاری و معیارهای سرسختانه، مرتبط است (۱۴).

چنین می‌توان استنباط کرد، طرحواره‌های شناختی اولیه که در نتیجه تعاملات اولیه در دوران کودکی شکل می‌گیرند، می‌توانند در سنین بزرگسالی افراد را مستعد ابتلا به برخی نشانه‌ها و ویژگی‌های اختلالات شخصیتی از جمله ویژگی شخصیت خودشیفته کنند. با این وجود، پژوهش‌های تجربی در این زمینه در جامعه طبیعی اندک است. بنابراین، هدف اصلی از انجام مطالعه حاضر، تلاش برای یافتن نقش طرحواره‌های شناختی اولیه در پیش‌بینی ویژگی خودشیفتگی در یک نمونه غیر بالینی بود.

## مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع طرح همبستگی بود و جامعه آماری آن را کلیه دانشجویانی که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

مشغول به تحصیل بودند و در خوابگاه سکونت داشتند، تشکیل داد. با استفاده از جدول Morgan، از میان ۲۸۰۰ دانشجوی ساکن در خوابگاه، ۳۶۰ نفر (۱۸۰ دختر و ۱۸۰ پسر) به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از دانشکده‌های مختلف (توان‌بخشی، پزشکی، دندان‌پزشکی، داروسازی، بهداشت، پیراپزشکی و پرستاری و مامایی) انتخاب شدند. پس از مشخص شدن تعداد اعضای نمونه مورد نظر، به خوابگاه‌های دارای اعضای نمونه مراجعه گردید و پس از برقراری ارتباط و کاهش حساسیت آزمودنی‌ها راجع به پرسش‌نامه‌ها و دلایل انتخاب آن‌ها در نمونه، توضیحات لازم درباره نحوه تکمیل پرسش‌نامه‌ها ارایه شد و آزمودنی‌ها پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، آن‌ها را به پژوهشگران عودت دادند. داده‌ها توسط فرم کوتاه پرسش‌نامه طرحواره SQ-SF یا Schema Questionnaire-Short Form) و پرسش‌نامه شخصیت خودشیفته ۴۰ ماده‌ای Narcissistic Personality Inventory-40 یا NPI-40) جمع‌آوری گردید و سپس با استفاده از روش همبستگی Pearson از آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مقیاس SQ-SF: این پرسش‌نامه ۷۵ آیتمی توسط Young برای ارزیابی ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه ساخته شد و هر سؤال بر اساس یک مقیاس شش درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود (۱ = کاملاً نادرست و ۶ = کاملاً درست). در این پرسش‌نامه هر ۵ سؤال یک طرحواره را می‌سنجد. پایایی و روایی این پرسش‌نامه در پژوهش‌های متعددی به اثبات رسیده است (۱۵). ترجمه و هنجاریابی پرسش‌نامه SQ-SF در ایران توسط آملی در دانشگاه‌های تهران انجام گرفت و همسانی درونی آن با استفاده از ضریب Cronbach's alpha به ترتیب در جمعیت‌های مؤنث و مذکر، ۰/۹۷ و ۰/۹۸ گزارش گردید (۱۶). همچنین، یافته‌های پژوهش آگیلار وفایی و همکاران ثبات درونی این ۱۵ خرده مقیاس را تأیید نمود (۱۷). ضرایب Cronbach's alpha مربوط به طرحواره‌ها در پژوهش حاضر برای محرومیت هیجانی ۰/۷۰، طرد/بی‌ثباتی ۰/۷۷، بی‌اعتمادی/بدرفتاری ۰/۶۱، انزوای اجتماعی/بیگانگی ۰/۷۰، معیوب بودن/شرم ۰/۷۳، شکست ۰/۷۶، وابستگی/بی‌کفایتی ۰/۷۸، آسیب‌پذیری نسبت به صدمه ۰/۶۰، خورشید نیافته/گرفتاری ۰/۶۶، اطاعت ۰/۶۲، فداکاری ۰/۷۲، بازداری هیجانی ۰/۷۱، معیارهای سرسختانه/بیش انتقادی ۰/۷۱، محق بودن/بزرگ‌منشی ۰/۶۵ و خودکنترلی ناپسند ۰/۷۱ و برای کل پرسش‌نامه، ۰/۸۴ محاسبه شد.

پرسش‌نامه NPI: این پرسش‌نامه به منظور سنجش ویژگی‌های مرتبط با شخصیت خودشیفته توسط Raskin و Terry ساخته شد و شامل هفت خرده مقیاس و ۴۰ ماده می‌باشد که در هر ماده، یک جفت عبارت ارایه می‌گردد. سوالات از صفر تا ۱ نمره‌گذاری می‌شود که نمره صفر نشان دهنده فقدان نشانه و نمره ۱ بیانگر وجود نشانه خودشیفتگی است. در نتیجه، دامنه نمرات از صفر تا ۴۰ می‌باشد که نمره بالاتر بیانگر خودشیفتگی بیشتر است (۱۸). Raskin و Terry روایی مقیاس NPI را با استفاده از ضرایب لامبدای ۳ گاتمن (آلفا) برای کل پرسش‌نامه به عنوان یک سازه کلی، ۰/۸۳ و برای هر یک از خرده مقیاس‌های اقتدار، خودنمایی، برتری‌جویی، بهره‌کشی، محق بودن، خودبستگی و خودبینی به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۳، ۰/۵۴، ۰/۵۰، ۰/۵۲، ۰/۵۰ و ۰/۶۴ گزارش نمودند (۱۸). صفاری‌نیا و همکاران پایایی بازآزمایی و همسانی درونی کل مقیاس NPI را به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۷۷ بیان کردند. همچنین،

به ترتیب با ضرایب بتای ۰/۴۹، ۰/۳۵، ۰/۲۷، ۰/۲۳، ۰/۲۰، ۰/۱۷ و ۰/۱۱ توان پیش‌بینی خودشیفتگی را داشتند و ۵۷ درصد از واریانس خودشیفتگی را پیش‌بینی نمودند.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه و خودشیفتگی

متغیرهای پژوهش	میانگین $\pm$ انحراف معیار
محرومیت هیجانی	۱۲/۰۰ $\pm$ ۵/۲۰
طرد/ بی‌ثباتی	۱۱/۵۰ $\pm$ ۵/۱۳
بی‌اعتمادی/ بدرفتاری	۱۴/۳۰ $\pm$ ۵/۶۰
انزوای اجتماعی/ بیگانگی	۱۲/۷۰ $\pm$ ۳/۶۰
معیوب بودن/ شرم	۱۱/۷۰ $\pm$ ۵/۳۰
شکست	۱۱/۶۰ $\pm$ ۴/۶۰
وابستگی/ بی‌کفایتی	۱۰/۰۹ $\pm$ ۴/۹۰
آسیب‌پذیری نسبت به صدمه	۱۳/۴۰ $\pm$ ۶/۲۰
خودرشد نایافته/ گرفتاری	۱۲/۷۰ $\pm$ ۵/۱۰
اطاعت	۱۲/۱۰ $\pm$ ۵/۴۰
فداکاری	۱۵/۱۰ $\pm$ ۴/۸۰
بازداری هیجانی	۱۶/۴۰ $\pm$ ۶/۱۰
معیارهای سرسختانه	۱۱/۲۰ $\pm$ ۴/۶۳
محق بودن/ بزرگمنشی	۱۵/۱۰ $\pm$ ۵/۶۰
خودکنترلی ناپسند	۱۲/۴۰ $\pm$ ۵/۸۰
خودشیفتگی	۱۶/۹۰ $\pm$ ۷/۵۱

ضرایب همبستگی نمره کل این پرسش‌نامه با پرسش‌نامه چند محوری بالینی Millon-3 (Millon Clinical Multiaxial Inventory-3 یا MCMIII) و خرده مقیاس برون‌گرایی و توافق‌جویی پرسش‌نامه شخصیت پنج‌عاملی به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۷۳ و ۰/۶۸ به دست آمد. نتایج تحلیل عاملی نیز نشان داد که مدل هفت‌عاملی این پرسش‌نامه در جامعه ایرانی برآزش دارد (۱۹). در پژوهش حاضر، ضریب پایایی با استفاده از روش Cronbach's alpha برای کل پرسش‌نامه، ۰/۸۲ و برای خرده مقیاس‌های اقتدار ۰/۶۳، خودنمایی ۰/۷۱، برتری‌جویی ۰/۵۹، بهره‌کشی ۰/۶۰، محق بودن ۰/۷۰، خودبستگی ۰/۶۶ و خودبینی ۰/۶۸ محاسبه گردید.

### یافته‌ها

میانگین سنی شرکت‌کنندگان مطالعه، ۲۵/۲۳ سال بود (۲۴/۰۱ و ۲۲/۰۰ سال به ترتیب در پسران و دختران). جدول ۱ تجزیه و تحلیل آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه و خودشیفتگی را نشان می‌دهد.

با توجه به نتایج جدول ۲، تحلیل همبستگی بین متغیرها حاکی از آن بود که طرحواره‌های محرومیت هیجانی ( $R = ۰/۳۸$ )، بی‌اعتمادی ( $R = ۰/۳۲$ )، معیوب بودن ( $R = ۰/۴۹$ )، خودرشد نایافته ( $R = ۰/۲۴$ )، معیارهای سرسختانه ( $R = ۰/۲۹$ ) و محق بودن ( $R = ۰/۴۶$ ) رابطه مثبتی با ویژگی خودشیفتگی داشتند؛ در حالی که بین طرحواره اطاعت ( $R = -۰/۳۵$ ) و ویژگی خودشیفتگی، همبستگی منفی مشاهده شد. جدول ۳ پیش‌بینی ویژگی خودشیفتگی با استفاده از تحلیل رگرسیون گام به گام را نشان می‌دهد. به منظور تعیین سهم متغیرهای پیش‌بین در تعیین واریانس متغیر ملاک (خودشیفتگی)، از تحلیل رگرسیون به روش گام به گام استفاده شد (۲۰).

با توجه به نتایج جدول ۳، تجزیه و تحلیل رگرسیون داده‌ها نشان داد که طرحواره‌های معیوب بودن/ شرم، محق بودن/ بزرگمنشی، محرومیت هیجانی، اطاعت، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، معیارهای سرسختانه و خودرشد نایافته/ گرفتاری

جدول ۲. ضریب همبستگی بین طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه با خودشیفتگی (کل) و خرده ویژگی‌های خودشیفتگی

متغیرهای پژوهش	خودشیفتگی	اقتدار	برتری‌جویی	خودبستگی	محق بودن	بهره‌کشی	خودنمایی	خودبینی
محرومیت هیجانی	**۰/۳۸	-۰/۰۶	۰	*۰/۱۹	*۰/۲۶	-۰/۰۱	-۰/۰۵	**۰/۳۵
طرد/ بی‌ثباتی	-۰/۰۴	-۰/۰۲	*۰/۲۴	*۰/۱۴	-۰/۰۶	-۰/۰۱	-۰/۱۱	*۰/۱۸
بی‌اعتمادی	**۰/۳۲	-۰/۰۱	۰/۰۸	**۰/۵۱	**۰/۳۸	*۰/۱۴	-۰/۰۴	*۰/۲۳
انزوای اجتماعی	-۰/۰۹	**۰/۳۰	**۰/۱۴	-۰/۰۶	*۰/۲۵	-۰/۱۱	۰	*۰/۲۷
معیوب بودن/ شرم	**۰/۴۹	**۰/۲۱	**۰/۳۱	*۰/۱۶	۰	**۰/۲۹	**۰/۳۰	-۰/۰۹
شکست	-۰/۰۲	**۰/۳۳	۰	-۰/۱۸	-۰/۰۶	**۰/۳۱	-۰/۰۲	-۰/۱۰
وابستگی/ بی‌کفایتی	-۰/۱۰	*۰/۱۹	-۰/۰۴	-۰/۰۵	*۰/۱۶	*۰/۱۸	-۰/۱۲	۰
آسیب‌پذیری نسبت به صدمه	۰	-۰/۰۲	۰	-۰/۱۰	*۰/۱۸	*۰/۲۶	-۰/۰۱	-۰/۰۵
خودرشد نایافته	*۰/۲۴	-۰/۰۹	۰/۰۱	*۰/۱۹	۰	-۰/۰۸	*۰/۲۲	-۰/۰۲
اطاعت	**۰/۳۵	**۰/۳۹	**۰/۲۷	-۰/۰۲	-۰/۰۷	**۰/۳۸	-۰/۰۶	**۰/۲۱
فداکاری	-۰/۰۷	-۰/۰۳	۰/۰۱	*۰/۲۳	-۰/۰۵	-۰/۰۳	*۰/۱۲	-۰/۰۷
بازداری هیجانی	۰	-۰/۰۶	**۰/۲۹	*۰/۲۷	-۰/۰۲	-۰/۰۲	-۰/۰۳	*۰/۲۰
معیارهای سرسختانه	**۰/۲۹	-۰/۰۸	*۰/۱۵	۰	**۰/۳۰	*۰/۲۴	-۰/۱۰	*۰/۱۴
محق بودن	**۰/۴۶	*۰/۲۴	**۰/۳۵	-۰/۰۹	**۰/۳۷	**۰/۴۸	**۰/۳۲	**۰/۵۰
خودکنترلی ناپسند	-۰/۱۰	-۰/۰۲	۰/۰۹	*۰/۱۵	*۰/۲۲	-۰/۰۹	*۰/۱۵	**۰/۳۰

\* $P < ۰/۰۵$ ، \*\* $P < ۰/۰۱$

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی خودشیفتگی از طریق طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه

متغیرهای پیش‌بین	MR	R <sup>2</sup>	F	β	P
معیوب بودن	۰/۴۹۸	۰/۲۴	۷۸/۵۰	۰/۴۹	۰/۰۰۱
محق بودن	۰/۶۰۴	۰/۳۶	۶۸/۱۶	۰/۳۵	۰/۰۰۱
محرومیت هیجانی	۰/۶۶۳	۰/۴۳	۶۱/۶۳	۰/۲۷	۰/۰۰۱
اطاعت	۰/۷۰۰	۰/۴۸	۵۶/۲۹	-۰/۲۳	۰/۰۰۱
بی‌اعتمادی	۰/۷۲۷	۰/۵۲	۵۲/۳۳	۰/۲۰	۰/۰۰۱
معیارهای سرسختانه	۰/۷۴۶	۰/۵۵	۴۸/۸۲	۰/۱۷	۰/۰۱۶
خودرشد نایافته	۰/۷۵۵	۰/۵۷	۴۳/۹۶	۰/۱۱	۰/۰۲۱

نیز بیان شده است که در این میان، اعتقاد به خاص بودن شخص، احساس محق بودن و حسی از بزرگ‌منشی و خوداهمیتی را شامل می‌شود (۱۴). نتایج پژوهش Zeigler-Hill و همکاران نیز نشان داد که تنها طرحواره محق بودن، ارتباط معنی‌داری با هر دو شکل خودشیفتگی یعنی نرمال و آسیب‌شناسی دارد (۱۳). ارتباط مشاهده شده برای طرحواره محق بودن با پیش‌بینی‌های نظری Young و Flanagan (۱۱) و Young و همکاران (۱۲) و همچنین، با تحقیقات پیشین که احساسات محق بودن را در مرکزی‌ترین بعد شخصیت خودشیفته یافته‌اند (۲۳-۲۱)، سازگاری دارد.

از جمله شاخص‌های شناختی طرحواره «محرومیت هیجانی»، می‌توان به باورهای اغراق‌آمیز در مورد این که از آن‌ها مراقبت و پشتیبانی نمی‌شود و به درستی درک نمی‌شوند، توجه کافی را دریافت نمی‌کنند و دیگران از لحاظ هیجانی حاضر به حمایت از آن‌ها نیستند (۱۱)، اشاره نمود. همان‌گونه که Young و همکاران بیان کردند، طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه زیربنایی خودشیفتگی شامل «معیوب بودن، محرومیت هیجانی و محق بودن» می‌باشند. در خودشیفتگی حالتی از تنش بین محرومیت هیجانی (میل شدید به تماس با دیگران) و معیوب بودن (عقب‌نشینی یا کناره‌گیری از تماس) وجود دارد که از توانایی این افراد برای شکل‌دهی ارتباطات صمیمی جلوگیری می‌کند. در مقابل، خودشیفته‌ها ممکن است اغلب برای پر کردن نیازهای هیجانی خود از طریق طلب توجه خود بزرگ‌نمایی شده (محق بودن) تلاش نمایند (۱۲).

در طرحواره «اطاعت»، این باور مسلط است که اولویت‌های دیگران مهم‌تر از آرزوهای شخصی است و شخص برای اجتناب از پیامدهای منفی مانند ترس از اقدامات تلافی‌جویانه یا رهاشدگی، خود را تسلیم کنترل دیگران می‌کند، به خصوص برای کسانی که در قدرت هستند (۱۱). به نظر می‌رسد که این طرحواره در تضاد با ویژگی‌های شخصیت خودشیفته، طبیعی است. بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، بین اطاعت و خودشیفتگی (کل) و ویژگی‌های رهبری و برتری‌جویی رابطه منفی مشاهده گردید. با این حال، نتایج مطالعات انجام گرفته نشان داده‌اند که طرحواره‌های اطاعت و رهاشدگی، رابطه مثبتی با خودشیفتگی آسیب‌پذیر به عنوان شکلی از خودشیفتگی آسیب‌شناختی دارند (۱۳). ناهمسانی یافته مطالعه حاضر با پژوهش‌های قبلی شاید به این دلیل باشد که در واقع افراد با سطوح بالایی از خودشیفتگی آسیب‌پذیر، بر این باور هستند که نیازها و خواسته‌های دیگران مهم‌تر از خودشان است و در عین حال، آن‌ها وابستگی بیش از حد به دیگران را انکار می‌کنند. با این حال، به دلیل طرحواره رهاشدگی، می‌توان سطح بالایی از واکنش‌ها و حساسیت‌های بین فردی را در این گونه افراد مشاهده نمود. این الگوی شناختی بسیار متفاوت‌تر از الگویی است

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی نقش طرحواره‌های شناختی اولیه در پیش‌بینی ویژگی خودشیفتگی بود. همانطور که یافته‌های همبستگی Pearson نشان داد، طرحواره‌های محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی، معیوب بودن، خودرشد نایافته، معیارهای سرسختانه و محق بودن به طور مثبت و معنی‌دار و طرحواره اطاعت به طور منفی و معنی‌دار با خودشیفتگی مرتبط بود. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام حاکی از آن بود که طرحواره‌های معیوب بودن، محق بودن، محرومیت هیجانی، اطاعت، بی‌اعتمادی، معیارهای سرسختانه و خودرشد نایافته بیشترین سهم را در پیش‌بینی خودشیفتگی داشتند ( $R^2 = ۰/۵۷$ ). به طور کلی، نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر با یافته‌های پژوهش‌های پیشین (۱۴، ۱۳) و همچنین، پیش‌بینی و استدلال‌های نظری در زمینه نقش طرحواره‌های شناختی اولیه در خودشیفتگی (۱۲، ۱۱) همخوانی داشت.

در تفسیر این یافته‌ها چنین می‌توان استنباط کرد که افراد دارای طرحواره معیوب بودن، به لحاظ شناختی در نظارت مستمر بر عملکرد خود مشغول می‌شوند، همیشه خود را با دیگران مقایسه می‌کنند و یا سرگرم حسادت و ورزیدن به آنچه دیگران دارند، هستند (۱۱). اگرچه تحقیقات قبلی نشان داد که معیوب بودن با خودشیفتگی آشکار ارتباط دارد (۱۴)، اما عمل این طرحواره را می‌توان به نوعی در زمینه خودشیفتگی پنهان (Covert narcissism) در نظر گرفت. خودشیفتگی پنهان با ایده‌های سرکوب شده بزرگی مشخص می‌شود. با این حال، عدم اعتماد به نفس و ابتکار عمل، به طور واضحی احساسات مبهمی از افسردگی و عدم رغبت برای کار را نشان می‌دهد. فرد دارای خودشیفتگی پنهان، به وسیله حساسیت، اضطراب و ناامنی توصیف می‌شود، اما اغلب در تماس نزدیک، دیگران را با توهمات بزرگ منشا منتهی‌المراد متخیر می‌کند. بنابراین، در این زمینه به روشنی درک می‌شود که چگونه یک باور «معیوب بودن» به ظاهر متناقض، می‌تواند در شخص خودشیفته قابل استفاده باشد (۱۱).

افراد دارای طرحواره «محق بودن»، میل به استثمار (بهره‌کشی) و کنترل کردن دیگران دارند. از جمله فرایندهای شناختی مرتبط با این طرحواره می‌توان به افکار مداوم در مورد خاص بودن شخص، خیال‌پردازی‌ها درباره دستاوردها و پیشرفت‌ها، انتظاراتی که باید با توجه و ملاحظه خاص از طرف دیگران حاصل شود و همچنین، قواعدی که بر افراد «عادی» دیگر حاکم است، اما برای آن‌ها صدق نمی‌کند، اشاره نمود (۱۱). این فرایندهای شناختی در Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders-4<sup>th</sup> Edition) (Disorders-4<sup>th</sup> Edition) و معیارهای تشخیصی اختلال شخصیت خودشیفته

گرایش‌های خودشیفتگی به صورت فطری یا درون‌زاد هستند و تفاوت‌های فردی در خودشیفتگی، ناشی از تجارب اولیه فرزندپروری والدین می‌باشد. به عنوان مثال، والدین پاسخ دهنده کودکان را با حس اولیه عشق به خود پرورش می‌دهند (۲۸)، البته هیچ والدی نمی‌تواند به صورت کامل پاسخ دهنده و همدل باشد و به همین دلیل والدین در بعضی مواقع، کودک را ناکام می‌کنند و محدودیت‌هایی را از خود نشان می‌دهند که چنین رفتارهایی منجر به ناامیدی کودک می‌شود. نتیجه چنین محرومیتی، ناپختگی در رشد «خود» است که این ناپختگی در کزکاری‌هایی از قبیل عزت نفس ضعیف، افسردگی و ویژگی‌های شخصیت خودشیفتگی از قبیل نیاز به بهره‌کشی و احساس محق بودن مشاهده می‌شود (۲۹). رفتارهای خودشیفتگی (مانند خودبسندگی و خودنمایی) در این گونه افراد را می‌توان به عنوان یک واکنش دفاعی در نظر گرفت که علیه هویت فردی ناکافی و وابستگی شدید به دیگران عمل می‌کند. تحقیقات قبلی (۱۴) نیز ارتباط این طرحواره را با خودشیفتگی پنهان و آشکار نشان داده است.

به طور کلی، طرحواره‌ها از ابتدای زندگی در نتیجه تجارب و تعاملات مثبت و منفی شکل می‌گیرند و افراد را در تمام طول زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهند. طرحواره‌های اولیه همچون صافی، در جهت اثبات یا تأیید تجارب کودکی عمل می‌کنند و منجر به بروز نشانه‌های بالینی مانند اضطراب، افسردگی و اختلالات شخصیت، تنها بودن به دلیل روابط بین فردی مخرب، سوء مصرف مواد و اختلالات خوردن می‌شوند (۳۰). نتایج به دست آمده می‌تواند برای والدین، مربیان و همه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش و به خصوص مشاوران و روان‌شناسان مفید باشد؛ چرا که با تهیه یک طرح درمانی مبتنی بر شناخت و طرحواره‌ها، می‌توان برخی از مشکلات رفتاری برون‌ریز و باورهای ناصحیح مربوط به خود و تعاملات اجتماعی مراجعان را اصلاح و از مشکلات آتی آن‌ها جلوگیری نمود. پیشنهاد می‌شود جهت جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش‌های بعدی، از ابزارهای دیگری مانند مشاهده و مصاحبه استفاده گردد. به محققان دیگر نیز توصیه می‌شود که این پژوهش را در مناطق دیگر و در دانشگاه‌های گوناگون تکرار کنند. با توجه به این که نمونه‌های مورد مطالعه را افراد غیر بالینی و دارای خودشیفتگی نرمال تشکیل دادند، توصیه بر این است که جهت پایایی این یافته‌ها، پژوهش‌های بعدی بر روی نمونه‌های بالینی و دارای اختلال شخصیتی نیز انجام شود؛ چرا که این کار علاوه بر این که قدرت تعمیم‌پذیری یافته‌ها را افزایش می‌دهد، می‌تواند آن‌ها را با هم مقایسه نماید.

### سپاسگزاری

مطالعه حاضر برگرفته از یافته‌های پژوهشی نویسندگان بود. بدین وسیله نویسندگان بر خود لازم می‌دانند تا از تمامی دانشجویان شرکت کننده که با دقت و علاقه نسبت به انجام پژوهش و تکمیل پرسش‌نامه‌ها اقدام نمودند، تشکر و قدردانی به عمل آورند.

که برای خرده مقیاس رهبری / اقتدار NPI ظاهر می‌شود. افراد دارای سطوح بالایی از رهبری / اقتدار (خودشیفتگی طبیعی)، نگرانی کمی برای خواسته‌های دیگران گزارش می‌دهند، اما وابستگی خود به دیگران را به رسمیت می‌شناسند. این نکته نشان می‌دهد که افراد خودشیفته آسیب‌پذیر در مقایسه با افرادی که دارای جنبه‌های خاصی از خودشیفتگی طبیعی هستند، روابط خود را با دیگران به شکل متفاوتی ادراک می‌کنند (۱۳). یافته حاصل شده نیز می‌تواند در چارچوب خودشیفتگی پنهان قابل تبیین باشد. طرحواره اطاعت اغلب سرکوب شدید خشم علیه کسانی است که برای کنترل کردن فرد ادراک شده‌اند و این طرحواره بازتابی از رنجش پیروی به دلیل ترس از عدم پذیرش یا طرد شدن می‌باشد (۱۱).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که طرحواره «بی‌اعتمادی / بدرفتاری» ارتباط مثبتی با خودشیفتگی (کل) و ویژگی‌های محق بودن و خودبسندگی، بهره‌کشی و خودبینی دارد. این یافته حاکی از آن است که خودشیفتگی ممکن است تا حد زیادی به عنوان یک واکنش دفاعی برای کسانی که احساس می‌کنند از دیگران جدا شده‌اند، به کار گرفته شود. این فقدان ارتباط یا احساس جدایی (به دلیل بی‌اعتمادی) دست کم می‌تواند تبیین برای تمایل این افراد به استفاده از روابط میان فردی جهت تعدیل احساس خودارزشمندی‌شان (Self-worth) را ارایه کند (۲۵، ۲۴). عدم اعتمادی که افراد خودشیفته نسبت به دیگران دارند، ممکن است برخی از راهبردهای میان فردی آن‌ها همچون سبک‌های رمانتیک نقش بازی کردن (Game-playing romantic styles) (۲۶) و تمایل به خودبسندگی، خودبینی یا علاقمندی به خودشان به جای فداکاری در جهت منافع مشترک را تبیین نماید (۲۷).

«معیارهای سرسختانه» به تمایل شخص خودشیفته برای تلاش کردن در جهت دستیابی و حفظ استانداردهای کمال‌گرایانه افراطی عملکرد اشاره می‌کند. باور اساسی در این طرحواره این است که فرد باید برای دستیابی به معیارهای درونی بسیار بالای رفتار و عملکرد و به طور کلی برای اجتناب از انتقادات دیگران، تلاش کند (۶). به عقیده Flanagan و Young، افراد خودشیفته اغلب طرحواره معیارهای سرسختانه را به عنوان یک راهبرد جبرانی علیه طرحواره مرکزی خودشیفتگی (معیوب بودن) ایجاد می‌کنند (۱۱). تحقیقات قبلی نیز نشان داده که معیارهای سرسختانه با خودشیفتگی آشکار ارتباط دارد؛ در حالی که این ارتباط در خودشیفتگی پنهان یافت نشده است (۱۴).

از دیگر نتایج پژوهش حاضر، ارتباط مثبت میان طرحواره «خودرشد نایافته» با خودشیفتگی و خرده مقیاس‌های خودبسندگی و خودنمایی بود. خودرشد نایافته، به نزدیکی و وابستگی هیجانی بیش از حد به یک یا چند نفر از افراد خیلی مهم (اغلب والدین) و تأثیرگذار در رشد فردی کامل و طبیعی اجتماعی گفته می‌شود. افراد دارای این طرحواره، احساساتی از غرق شدن و یکی شدن با هویت دیگران را دارند و از هویت فردی ناکافی برخوردار هستند. به همین جهت احساسی از پوچی و دست و پا زدن و بدون داشتن جهت را تجربه می‌کنند و یا در موارد شدید، هستی و موجودیت خود را زیر سؤال می‌برند (۶). در این باره می‌توان به نظریه «خود» Kohut اشاره نمود. مطابق با نظریه وی،

### References

1. Brown RP, Budzek K, Tamborski M. On the meaning and measure of narcissism. *Pers Soc Psychol Bull* 2009; 35(7): 951-64.
2. Beck AT, Freeman A, Davis DD. *Cognitive therapy of personality disorders*. New York, NY: Guilford Press; 2006.
3. Segal ZV. Appraisal of the self-schema construct in cognitive models of depression. *Psychol Bull* 1988; 103(2): 147-62.
4. Beck AT, Freeman A. *Cognitive therapy of personality disorders*. New York, NY: The Guilford Press; 1990.
5. Millon T, Davis RD. *Personality disorders in modern life*. New York, NY: John Wiley & Sons; 2000.

6. Young JE. Cognitive therapy for personality disorders: a schema-focused approach. Sarasota, FL: Professional Resource Press; 1999.
7. McGinn LK, Young JE. Schema-focused therapy. In: Salkovskis PM, Editor. *Frontiers of cognitive therapy*. New York, NY: Guilford Press; p. 182-207; 1996.
8. Schmidt NB, Joiner TE, Young JE, Telch MJ. The schema questionnaire: Investigation of psychometric properties and the hierarchical structure of a measure of maladaptive schemas. *Cogn Ther Res* 1995; 19(3): 295-321.
9. Harris AE, Curtin L. Parental perceptions, early maladaptive schemas, and depressive symptoms in young adults. *Cognit Ther Res* 2002; 26(3): 405-16.
10. Ahmadi N, Ghoreyshi Rad F. Assessment relationship between maladaptive schemas and child rearing styles in people with personality disorders cluster b to recognize their role in personality disorders cluster. *Clinical Psychology and Personality* 2014; 2(10): 87-98.
11. Young J, Flanagan C. Schema-focused therapy for narcissistic patients. In: Ronningstam E, Editor. *Disorders of narcissism: diagnostic, clinical, and empirical implications*. Washington, DC: American Psychiatric Press; 1998. p. 239-68.
12. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. *Schema Therapy: A Practitioner's Guide*. New York, NY: Guilford Press; 2003.
13. Zeigler-Hill V, Green BA, Arnau RC, Sisemore TB, Myers EM. Trouble ahead, trouble behind: Narcissism and early maladaptive schemas. *J Behav Ther Exp Psychiatry* 2011; 42(1): 96-103.
14. Torres C. Early maladaptive schemas and cognitive distortions in psychopathy and narcissism [Thesis]. Canberra, Australia: Australian National University. 2002.
15. Oei TP, Baranoff J. Young Schema Questionnaire: Review of psychometric and measurement issues. *Aust J Psychol* 2007; 59(2): 78-86.
16. Ahi G. Standardization of the short version of the young schema questionnaire [MSc Thesis]. Tehran, Iran: School of Education and Psychology, University of Allameh Tabatabaie; 2007. [In Persian].
17. Aguilar-Vafaie ME, Rasoulzadeh Tabatabaie K, Esfehonian N. Factor Analysis of the Young Schema Questionnaire-Short Form in a Nonclinical Iranian Sample. *Iran J Psychiatry Clin Psychol* 2008; 14(2): 214-9. [In Persian].
18. Raskin R, Terry H. A principal-components analysis of the Narcissistic Personality Inventory and further evidence of its construct validity. *J Pers Soc Psychol* 1988; 54(5): 890-902.
19. Saffarinia M, Shaqaqi F, Maleki B. A Preliminary Investigation of Psychometric Properties of Narcissistic Personality Inventory (NPI-4). *J Clin Psychol* 2012; 2(8): 71-92.
20. Afrisham R, Sadegh-Nejadi S, SoliemaniFar O, Abromand M, Kooti W, Najjar Asl S, et al. Evaluating the Salivary Alpha-amylase Level under psychological stress and its relationship with rumination and the five personality traits. *J Mazandaran Univ Med Sci* 2015; 25(126): 22-33. [In Persian].
21. Bishop J, and RC. The dynamics and dangers of entitlement. *Psychoanal Psychol* 2002; 19(4): 739-58.
22. Campbell WK, Bonacci AM, Shelton J, Exline JJ, Bushman BJ. Psychological entitlement: interpersonal consequences and validation of a self-report measure. *J Pers Assess* 2004; 83(1): 29-45.
23. Dickinson KA, Pincus AL. Interpersonal analysis of grandiose and vulnerable narcissism. *J Pers Disord* 2003; 17(3): 188-207.
24. Campbell WK, Reeder GD, Sedikides C, Elliot AJ. Narcissism and comparative self-enhancement strategies. *J Res Pers* 2000; 34(3): 329-47.
25. Morf CC. Personality reflected in a coherent idiosyncratic interplay of intra- and interpersonal self-regulatory processes. *J Pers* 2006; 74(6): 1527-56.
26. Campbell WK, Foster CA, Finkel EJ. Does self-love lead to love for others? A story of narcissistic game playing. *J Pers Soc Psychol* 2002; 83(2): 340-54.
27. Campbell WK, Bush CP, Brunell AB, Shelton J. Understanding the social costs of narcissism: the case of the tragedy of the commons. *Pers Soc Psychol Bull* 2005; 31(10): 1358-68.
28. Kohut H. *The Restoration of the Self*. Chicago, IL: University of Chicago Press; 2009.
29. Trumpeter NN, Watson PJ, O'Leary BJ, Weathington BL. Self-functioning and perceived parenting: relations of parental empathy and love inconsistency with narcissism, depression, and self-esteem. *J Genet Psychol* 2008; 169(1): 51-71.
30. Seligman ME, Schulman P, Tryon AM. Group prevention of depression and anxiety symptoms. *Behav Res Ther* 2007; 45(6): 1111-26.

## The Role of Early Cognitive Schemas in Prediction of Narcissism

Omid Soliemanifar<sup>1</sup>, Farzaneh Shaabani<sup>2</sup>, Zahra Rezaei<sup>3</sup>, Najmeh Nikoubakht<sup>4</sup>,  
Ameneh Shojaei<sup>5</sup>, Reza Afrisham<sup>6</sup>

### Original Article

#### Abstract

**Aim and Background:** Schemas are defined as organized elements of reactions and experiences in the past that form an enduring body of knowledge so that they could influence and evaluate later perceptions. The purpose of the present study was to investigate the role of early cognitive schemas on narcissism trait.

**Methods and Materials:** This study was performed on 360 students living in dormitories of Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran, who were selected via random sampling method. The Narcissistic Personality Inventory (NPI-40) and Schema Questionnaire-Short Form (SQ-SF) were used to obtain the data. Data was analyzed using Pearson correlation and stepwise multiple regression analysis.

**Findings:** Schemas of emotional deprivation, mistrust, defectiveness, unrelenting standards, entitlement ( $P = 0.010$ ) and undeveloped self ( $P = 0.050$ ) had a significant positive correlation with narcissism and subjugation schema had a significant negative correlation with it. Also, results of the regression analysis indicated that schemas of defectiveness, entitlement, emotional deprivation, subjugation, mistrust ( $P = 0.010$ ), and unrelenting standards and undeveloped self ( $P = 0.050$ ) had significant role in predicting narcissism ( $R^2 = 0.57$ ) in order of importance.

**Conclusions:** Early maladaptive schemas could be considered as the basic cognitive structures that help to have a better understanding of how people with narcissistic personality characteristics perceive their social environment.

**Keywords:** Early cognitive schemas, Narcissism, Non-clinical sample, Students

**Citation:** Soliemanifar O, Shaabani F, Rezaei Z, Nikoubakht N, Shojaei A, Afrisham R. **The Role of Early Cognitive Schemas in Prediction of Narcissism.** J Res Behav Sci 2016; 14(3): 264-70.

Received: 24.05.2015

Accepted: 13.09.2016

1- Department of Education District 3 Ahvaz, The General Department of Khuzestan Province Ahvaz, Iran

2- Lecturer, Department of Psychology, School of Psychology and Educational Sciences, Gotvand Payam Noor University, Gotvand, Iran

3- Department of Psychology, School of Psychology and Educational Sciences, Khuzestan Science and Research Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

4- PhD Student, Department of Psychology, School of Psychology and Educational Sciences, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

5- Department of Psychology, School of Psychology and Educational Sciences, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran

6- MSc Student, Department of Clinical Biochemistry, School of Medicine, Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran

**Corresponding Author:** Omid Soliemanifar, Email: [omidsoliemanifar@gmail.com](mailto:omidsoliemanifar@gmail.com)